

A Critical Study of Betty Kelen's Views on the Prophet Muhammad (PBUH):

A Case Study on the Phenomenon of Revelation and the Prophet's Encounter with the People of the Book

Arman Forouhi¹, Amir Hussain Kermani²

Abstract

The life of the Prophet Muhammad (PBUH) has consistently attracted the attention of Western scholars of Islam. In the contemporary era, Western research on the Prophet Muhammad spans a wide spectrum—from academic studies to works aimed at the public. One of the Orientalists who has presented her views with a particular focus on the Western lay audience is Betty Kelen (2006). Her book, *Muhammad: The Messenger of God*, written within the field of Eastern religions and history, is noteworthy in its approach and scope.

This article aims to introduce, analyze, and critically assess Betty Kelen's perspectives on the biography (*sīrah*) of the Prophet (PBUH), with special emphasis on the phenomenon of revelation and his interactions with the People of the Book. The study employs a descriptive–analytical method based on library research.

The findings indicate that Kelen's portrayal of the Prophet's Meccan and Medinan periods, compared with twentieth-century Orientalist writings, seeks to present a clear and accessible narrative of the Prophet's life, free from theological intricacies and sectarian biases. However, her selective use of sources and her interpretation of key socio-religious transformations during the Prophetic era are open to serious scholarly critique.

KeyWords: Prophet Muhammad (PBUH), Betty Kelen, Revelation, Qur'an, People of the Book

1. Assistant Professor, Department of Iranology, Faculty of Humanities, Meybod University, Meybod, Iran (Corresponding author); (A.forouhi@meybod.ac.ir).

2. Ma in Islamic History and Civilization (amirhoseinkermani31@gmail.com).

بررسی و نقد آراء بتی کلن درباره رسول الله (ص) (مطالعه موردی: پدیده وحی و مواجهه با اهل کتاب)

آرمان فروهی^۱

امیرحسین کرمانی^۲

چکیده

زندگانی حضرت محمد (ص) همواره مورد توجه اسلام‌پژوهان غربی بوده است. در سده معاصر پژوهش‌های غربیان در سطوح مختلف علمی از آکادمیک تا عموم مردم به رسول الله (ص) پرداخته‌اند. یکی از مستشرقانی که آراء خود را با تمرکز بر مخاطب عموم مردم در جوامع غربی به نگارش در آورده، بتی کلن (۲۰۰۶ م) است. کتاب وی به نام «محمد؛ پیام‌آور خدا» که در حوزه تاریخ و ادیان شرقی به رشته تحریر درآمده است، در نوع خود قابل توجه است. این مقاله درصدد معرفی آراء و نظرات بتی کلن در خصوص سیره رسول الله (ص) با تکیه بر پدیده وحی و مواجهه با اهل کتاب و تبیین و نقد تاریخی آن است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با رویکرد «توصیفی-تحلیلی» به آن پرداخته خواهد شد. نتایج پژوهش حاکی از آن است که گزارش‌های بتی کلن از حیات رسول الله (ص) در دوره مکی و مدنی ایشان در مقایسه با مستشرقان قرن بیستم در طیف سیره پژوهی با هدف بیان ساده و روان، بدون پیچیدگی و ملاحظات خاص مذهبی از زندگانی پیامبر (ص) بوده است. هرچند که نحوه استفاده از منابع و تبیین دگرگونی‌های حائز اهمیت عصر نبوی قابلیت نقد جدی دارد.

واژه‌های کلیدی: حضرت محمد (ص)، بتی کلن، وحی، قرآن، اهل کتاب.

۱. استادیار گروه ایرانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد، میبد، ایران (نویسنده مسئول)؛ (A.forouhi@meybod.ac.ir)

۲. کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن اسلامی (amirhoseinkermani31@gmail.com).

مقدمه

سیره پژوهی رسول خدا (ص) محوری‌ترین حوزه اسلام‌شناسی غربیان محسوب می‌شود که پیشینه طولانی و پرفراز و نشیب دارد. نگاه غربیان به پیامبر مسلمانان به فراخور تسلط مسیحیت و کلیسا بر جوامع اروپایی و تنش‌های فیما بین جهان اسلام-جهان مسیحیت از نگاه‌های واگرایی به همدلانه متغیر بوده است. نخستین برداشت و واکنش مسیحیان به پیدایی نیروی اسلام در سرزمین‌های اسلامی مبتنی بر تفسیر برخی از آیات عهد عتیق بود که این آیات تحقق همان وعده‌هایی پنداشته می‌شد که خداوند در کتاب مقدس وعده داده بود (گدارد، ۱۳۹۸: ۸۹). با تلاش‌های یوحنا یوحنای قدیس در ارائه تفسیری جدید از اسلام به عنوان بدعت و رسول خدا به عنوان بدعت‌گذار توانست دستکم نوعی شناخت دست اول از مسلمانان و دین اسلام ارائه دهد و پیامبر اسلام را چهره‌ای ضد مسیح^۱ توصیف کند. اما با عبور از سده نوزدهم میلادی شاهد کم‌رنگ شدن مواجهه‌ی تبشیری غرب و نزدیک شدن به رویکرد علمی و بی‌طرفانه هستیم.

روند اسلام‌شناسی در غرب با محوریت رسول الله (ص) همچنان ادامه دارد و در مجامع رسمی، علمی و عموم مردم در قالب فیلم، داستان، مقاله، کتاب و غیره ارائه می‌شود. در کنار اسلام‌شناسان غربی مشهور چون گلدزیهر، مادلونگ، ولهاوزن و غیره، برخی پژوهشگران این حوزه با تکیه بر مطالعات ادیانی به سیره پیامبر خدا (ص) پرداخته‌اند و آثاری متفاوت از پیشینیان در دوران جدید به نگارش درآورده‌اند. یکی از این افراد بتی کلن^۲ است که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است. از جمله معیارهایی که با استناد به آن می‌توان فرد/افرادی را ذیل حوزه اسلام‌شناسی قرار داد؛ اطلاع از تحصیلات رسمی وی در زمینه مذکور، آثار و تألیفات آن، و سرانجام میزان تأثیرگذاری او بر جامعه علمی از طریق طرح پرسش‌های جدید و پاسخ وی بدان‌ها ارزیابی می‌شود. درخصوص اهمیت توجه به بتی کلن آنچه حائز اهمیت است

1. Anti- Crist

2. Betty Kelen

که شاید او را نتوان در زمره بزرگانی سیره‌پژوهی غربی قرار داد؛ ولیکن با توجه به تحصیلات و آثار به جای مانده از وی به عنوان پژوهشگر ادیان شرقی حداقل می‌توان او را در ردیف‌های متأخر سبک اسلام پژوهی غربی دانست. انگیزه نویسندگان در انتخاب بتی کلن به عنوان اسلام پژوهی این بوده است که در کنار توجه به سیره‌نگاری غربیان که رویکرد تخصصی دارد، جریان‌یابی نیز وجود دارد که در آن با نگاهی ساده‌تر و زبانی روان‌تر و گویاتر برای مخاطب حال حاضر در این حوزه قلم می‌زنند که در بررسی نگاه مستشرقان با وجود اهمیت کمتر به آن توجه شده است. این جریان نگارش سیره پیامبر (ص) در غرب از آن جهت مهم است که به جهت برخورداری از زبان ساده‌تر، در سطح جامعه احتمالاً بیشتر مورد استقبال مخاطب قرار می‌گیرد و از این رو برای رفع شبهات آنها و آشنایی با منظومه فکری آنها باید همت گماشت.^۱ پژوهش حاضر برای رفع خلاء و توجه به این حوزه پژوهش تدوین شده است.

در زمینه آثار و تألیفات، می‌توان کتاب شناسی بتی کلن را بدین شرح بر شمرد: زبان تاروت: واژه نامه نمادها، آرکانای بزرگ (۱۹۷۴)، کنفوسیوس: در زندگی و افسانه (۱۹۹۲)، «گاوتاما بودا: در زندگی و افسانه» (۱۹۹۴)، معشوقه‌ها: رسوایی‌های داخلی پادشاهان قرن نوزدهم (۱۹۹۴) و «محمد پیام آور خدا» (۱۹۹۹). همچنین به عنوان ویراستار در یکی از دفاتر سازمان ملل متحد

۱. در ارتباط با اهمیت پرداختن به این اثر می‌توان افزود: کتاب «محمد، پیام آور خدا» یکی از معدود منابعی است که با لحنی ساده و بی‌تکلف برای مخاطب غیرمتخصص نوشته شده و بارها (۴ مرتبه) تجدید چاپ شده است. این سطح از اقبال و دسترسی نشان می‌دهد که بسیاری از علاقه‌مندان به زندگی پیامبر (ص) - چه مسلمان و چه غیرمسلمان - نخستین مواجهه‌شان با سیره را از همین متن آغاز می‌کنند. نپرداختن به این اثر، یعنی نادیده گرفتن یکی از جریان‌های مؤثر در شکل‌گیری فهم عامه از سیره و وحی. پژوهش‌های کلاسیک سیره‌پژوهی غالباً در ژورنال‌های تخصصی منتشر می‌شوند و دسترسی عمومی به آن‌ها دشوار است. از سوی دیگر، آثار ساده‌سازی شده مانند کتاب کلن پرشمارتر خوانده می‌شوند اما کمتر از پشتوانه آکادمیک برخوردارند. بررسی انتقادی این دو «جریان» به ما کمک می‌کند تا فاصله خود با مخاطبان عام را کم کنیم و راهکارهایی برای انتقال یافته‌های آکادمیک به زبان ساده بیابیم. چنان که کلن تلاش کرده، ولی بدون اعتبار کافی. در خصوص بازخوردهای عمومی بر پژوهش بتی کلن در رسانه‌های معتبر عمومی مانند Goodreads اشاراتی از سوی مخاطبان انگلیسی زبان ارائه شده که آن را یک زندگی‌نامه قابل فهم و در دسترس برای مخاطبان ارزیابی کرده‌اند. با وجود بازخوردهای مثبت این چینی، همچنان نقاط ضعف یاد شده در مقاله، مانند استنادات اندک و شیوه ارجاع دهی ضعیف، از سوی خوانندگان نیز مطرح شده است.

در وین کار می‌کرده است (Kelen, 1999: 189). آنچه در این نوشتار از نظر خواهد گذشت نقد و بررسی کتاب «محمد: پیام آور خدا»^۱ است که مطالعه‌ای تاریخی بر حیات سیاسی حضرت رسول است. این کتاب در ۱۸۹ صفحه شامل ۳ بخش و مجموعاً ۲۴ فصل است. بخش اول مشتمل بر هشت فصل ذیل حیات مکی رسول الله، بخش دوم شامل دوازده فصل ذیل حیات مدنی ایشان و بخش آخر شامل چهار فصل است که به دین اسلام می‌پردازد. در این تحقیق از روش متداول تاریخی و مبتنی بر رویکرد توصیفی-تحلیلی استفاده شده و با استناد منابع کتابخانه‌ای تقویت گردیده است. ابتدا کتاب مورد نظر با دقت مطالعه و نکات کلیدی آن استخراج گردید. سپس به تحلیل و بررسی مضامین، ساختار و سبک نویسنده پرداخته شده است.

طرح مسئله

هدف نویسندگان معرفی و ترجمه کتاب نیست؛ بلکه با داشتن پرسش‌هایی چند دیدگاه‌های نویسنده کتاب در بوته نقد قرار گرفته است. آنچه هنوز مورد پرسش و ابهام بتی کلن قرار دارد مواجهه با پدیده وحی به عنوان یک رویداد عارفانه، کیفیت مواجهه رسول الله (ص) با اهل کتاب و نحوه ارزیابی قرآن از ادیان موسوی پیش از اسلام است که مهم‌ترین بخش‌های کتاب را تشکیل داده است. محور اساسی او در مواجهه با وحی این است که چه تفاوت‌هایی بین وحی پیامبر اسلام و وحی در دیگر ادیان وجود دارد؟ آیا می‌توان تجربیات وحیانی مشابهی را در ادیان دیگر یافت؟ پیامبر اسلام چگونه وحی را دریافت می‌کرد؟ آیا مستقیم از سوی خدا بود و یا از طریق فرشتگان اتفاق می‌افتاد؟ واکنش ادیان به این رویداد چگونه بوده و پاسخ متقابل به آنان چگونه بود؟ به‌رغم پاسخ‌های ارائه شده از سوی جهان اسلام در طول اعصار پیشین، طرح مجدد پرسش‌های مذکور نشان دهنده این است که همچنان این موضوعات محلی از اعراب داشته و مورد توجه قرار می‌گیرد.

1. Muhammad: The Messenger of God

پیشینه پژوهش

تاکنون پژوهشی درباره معرفی و نقد کتاب بتی کلن انجام نشده است و این برای نخستین بار است که چنین تحقیقی صورت عمل یافته است. با این حال از جمله تحقیقاتی که پیشینه توجه غربیان به حیات حضرت رسول را نشان می دهد کتاب محمد در اروپا (۱۳۸۲ ش) است. مقاله ای با عنوان «تحلیل و بررسی آرای مستشرقان پیرامون وحی» از مؤمنی (۱۳۸۹ ش) منتشر شده است، در سال های اخیر نیز کتابی با عنوان مستشرقان و وحی توسط قنبری صفری (۱۳۹۵ ش) به چاپ رسیده که به شکل مبسوطی به این دست از پرسش های مستشرقان پرداخته است. این تحقیقات ضمن بررسی مسئله مندی مستشرقان صورت تحقیق یافته است و این پژوهش پیش رو می تواند ذیل و یا تکلمه آن تحقیقات باشد.

وجه اشتراک بتی کلن با تحقیقات نامبردگان در آن است که بتی کلن نیز وحی را به عنوان نقش تعیین کننده در اتخاذ اقدامات سیاسی حضرت رسول در قبال اهل کتاب لحاظ داشته است، از سوی دیگر، وجه افتراق این پژوهش با سایرین در این است که نام بردگان تنها به مسئله وحی پرداخته اند و این پژوهش مواجهه سیاسی - نظامی پیامبر را در آراء بتی کلن نیز انجام داده است. هرچند نقاط ضعف بسیاری را می توان به وی وارد دانست؛ اما همین موارد انگیزه نگارش این نوشتار را ضرورت می بخشد.

۱. رویکرد نظری بتی کلن در کتاب: محمد پیام آور خدا

بتی کلن در کتاب "محمد پیام آور خدا" از رویکردی چندوجهی و بین رشته ای برای تحلیل شخصیت و پیام های پیامبر اسلام بهره می برد. این رویکرد به ویژه در زمینه های تاریخ، جامعه شناسی و مطالعات دینی قابل توجه است. کلن با استفاده از منابع تاریخی و متون اسلامی سعی دارد تا تصویری جامع از زندگی و آموزه های پیامبر ارائه دهد. او به بررسی زمینه های فرهنگی و اجتماعی زمانه پیامبر می پردازد و تأثیرات این زمینه ها بر شکل گیری پیام های او را تحلیل می کند.

یکی از ویژگی‌های بارز رویکرد نظری کلن تأکید بر تحلیل متون اسلامی به خصوص قرآن به عنوان منبع اصلی اطلاعات است. او به تفسیر آیات قرآن و احادیث می‌پردازد و سعی می‌کند تا درک عمیق‌تری از پیام‌های پیامبر به دست آورد. این تحلیل متنی به کلن این امکان را می‌دهد که به جنبه‌های مختلف شخصیت پیامبر (ص) از جمله رهبری، اخلاق و تعاملات اجتماعی وی با پیروان سایر ادیان بپردازد و نشان دهد که چگونه این ویژگی‌ها بر جامعه اسلامی تأثیر گذاشته است که در ادامه نوشتار به نمونه‌های متعددی از این دست اشاره خواهد شد. علاوه بر این کلن به تأثیرات تاریخی و فرهنگی پیامبر بر جوامع مسلمان نیز توجه دارد. او به بررسی چگونگی شکل‌گیری تمدن اسلامی و تأثیر آموزه‌های پیامبر بر فرهنگ، سیاست و جامعه می‌پردازد. این رویکرد تاریخی به خواننده این امکان را می‌دهد که درک بهتری از تأثیرات بلندمدت پیامبر بر تاریخ بشریت و جوامع مختلف داشته باشد.

۲. بررسی محتوایی: نکات اصلی مورد توجه بتی کلن

در این بخش به تحلیل محتوایی و متنی کتاب "محمد؛ پیام آور خدا" خواهیم پرداخت. این تحلیل شامل بررسی ساختار، مضامین کلیدی و اشاره‌ای کوتاه به برداشت و تفسیر او از شخصیت، حالات و اقدامات حضرت رسول (ص) خواهد داشت که به درک عمیق‌تری از دیدگاه‌های او از پیام‌ها و آموزه‌های پیامبر اسلام خواهد انجامید.

۲-۱. وحی در اندیشه بتی کلن

دیدگاه‌های سیره پژوهان به طور خاص و کلیه مستشرقان به طور عام در خصوص حضرت محمد (ص) به عنوان رسول الله در پیوند مستقیم با مسئله وحی است. به رغم اینکه وحی در دو دین ابراهیمی پیش از اسلام نیز وجود داشته است، با این حال هم از سوی مستشرقان مسیحی به عنوان محققان متأخر و هم مسیحیان متقدمی که در قرن هفتم میلادی دعوت حضرت رسول را شنیدند، مسئله‌ای بود که پذیرش آن از سوی آنان بگرنج می‌نمود، پرسش‌هایی که شامل چگونگی دریافت وحی، بررسی تأثیرات فرهنگی و تاریخی آن و

تفاوت‌های آن با دیگر تجربیات دینی است. چنانچه خود بتی کلن نیز به این موضوعات توجه داده است و تأثیر آن را در کشاکش میان اهل کتاب با حضرت رسول (ص) بیان می‌دارد که یهودیان پس از شنیدن دعوت اسلام اذعان داشتند که اطلاعی از آن ندارند، پس بهتر است که حضرت محمد به آیین یهود ایمان آورد و مشابه این سخنان را از سوی مسیحیان صورت گرفت و آنان نیز توصیه کردند که ایشان مسیحی شود (Kelen, 1999: p. 76). عمده پاسخ‌های بتی کلن به مسئله وحی را می‌توان در این گزاره‌ها یافت:

۱-۱-۲. تفسیر فیزیولوژی از امر قدسی

بتی کلن در این ارتباط می‌نویسد: «برخی از پزشکان به شباهت چنین تجربیاتی با صرع اشاره کرده‌اند و نمی‌توان انکار کرد که در برخی موارد، مانند محمد، علائم آن بیماری وجود داشته است: افتادن شدید روی زمین، صداها، انفجار نور و... سپس وحشت و عجله دیوانه وار در اطراف. از سوی دیگر تفاوت بین تجربه عرفانی و حمله صرع را نیز نمی‌توان انکار کرد. یکی پر از شکوه است، دیگری همراه با وحشت. حقیقت این است که ما فیزیولوژی این ماجراهای ذهنی عجیب را نمی‌دانیم که عرفان چگونه در مغز با صرع یا با توهمات معمولی یا طبیعی یا ناشی از مواد مخدر ارتباط برقرار می‌کند. ما نمی‌دانیم که صدای چه کسی با پولس در جاده دمشق، یا مسیح در هنگام غسل تعمید یا موسی از بوته سوزان صحبت کرد. از آنجا که چنین پیام‌هایی به بالاترین آگاهی ما رسیده است، ما آنها را الهی می‌دانیم و می‌گوییم که آنها از جانب خدا آمده‌اند» (Kelen, 1999: p. 26).

۲-۱-۲. تقلیل وحی به رؤیا و قیاس امر قدسی با سنت‌های بت پرستی

بتی کلن در ارتباط با این موضوع می‌نویسد: «مشخص نیست که محمد چه تعداد از این رؤیاها را مشاهده کرده است یا اگر بیشتر بوده آیا در یک روز یا در زمان‌های مختلف به او رسیده‌اند؟ در روایتی از قول محمد آمده است: «صدایی شنیدم که نامم را می‌خواند. همه جا را نگاه کردم و کسی را ندیدم. سپس به بالا نگاه کردم و دیدم او آنجا بود و بر تخت خود نشسته بود». اما

مشخص نیست که "او" چه کسی بود؟ (Kelen, 1999, p. 25) نسبت به وحی این را نیز باید در نظر گرفت که هر عارف هر چند «مخلص»، انتزاعات ذهنی خود را تنها بر حسب نمادهای خود می‌تواند درک کند. همانطور که به خوبی شناخته شده است، خاخام‌های یهودی کاملاً حق داشتند که نسبت به جبرئیل مشکوک باشند. چراکه یکی از هم‌نوعان آنها ممکن است حضرت الیاس را دیده باشند. همچنین یک مسیحی می‌تواند یک موجود مسیحی قابل تشخیص را توصیف کند، همانطور که در اعصار گذشته عارفان بت پرست یونانی باید شخصیت باشکوهی را که هرمس نامیده‌اند، دیده باشند (Ibid, p. 159).

۲-۱-۳. تفسیر نژادی و جغرافیایی از دین به عنوان محصولی بشری با تکیه بر زبان قرآن

«سفر زیارتی به مکه اقدامی شگفت‌انگیز در زمینه تبلیغ دین اسلام بود، زیرا خبر آن به سرعت منتشر شد و تأثیر عمیقی بر هر فرد عرب گذاشت. حالا برای همه روشن بود که دین جدید محمد به طور کامل عربی است، محصولی بومی که با رشته‌های محکم به حرم مقدس وصل شده است. دیگر هیچ فرد عرب تباری نیازی نخواهد داشت که روح خود را با خرافات بی‌اساس آرام کند و یا به آیین‌های عبادی بیگانه همچون مسیحی و یهودی و حتی به آموزه‌های عجیب‌تر مانند مجوس‌های ایرانی متوسل شود. علاوه بر این تغییر شگفت‌انگیزی در حال وقوع بود. عرب‌ها اکنون می‌توانستند خود را "اهل کتاب" بنامند» (Ibid, p. 141).

۲-۲. مسیحی‌گری در روایت‌گری

کوه‌های اطراف مکه غارهای زیادی را در خود جای داده بود و شهروندان اهل تفکر عادت داشتند برای دعا به این مکان‌های خلوت گزینی می‌کردند. این رسم به نام تحنث یک تمرین مذهبی بود. تحنث کلمه‌ای بود که به زبان عبری برای دعاهای خاص مربوط می‌شود که از یهودیان عهد عتیق سرچشمه گرفته بود (Kelen, 1975, p. 23) خدیجه هنگامی که دید محمد در خرقه‌ای پیچیده و به خواب رفته است، خرقه خود را بر دوش گرفت و به دنبال پسر عموی مسیحی خود ورقه بن نوفل - پیرمردی که در آن هنگام نابینا شده بود - به خانه

او رفت. خدیجه که تجربه شوهرش را برای او تعریف می‌کرد ورقه درحالی که گوش می‌داد با تعجب گفت: «مقدس! مقدس! سوگند به کسی که جان مرا در دست دارد، آن جبرئیل بود، همانی که در قدیم نزد موسی آمد. محمد پیامبر این قوم خواهد بود.» (ibid, p. 23)

۲-۳. مواجهه دینی اهل کتاب به دعوت اسلام

محمد سال‌ها بود که به مردم می‌گفت که اسلام دین ابراهیم است، اما یهودیان به این پیشنهاد بی توجه نبودند {با او مجادله می‌کردند}. آن‌ها می‌گفتند ابراهیم مانند خود آنها یهودی دیگری است. برخی مسیحیان نیز از خارج شهر آمده بودند تا اعلام کنند ابراهیم، مسیحی است. اکنون خداوند به وسیله محمد بر همه آنان وحی نازل کرد:

«ای اهل کتاب، چرا در آیین ابراهیم با یکدیگر مجادله می‌کنید (که هر یک او را به خود نسبت می‌دهید)؟! در صورتی که تورات و انجیل شما فرستاده نشد مگر بعد از ابراهیم؛ آیا تعقل نمی‌کنید؟ (۶۵) گیرم در آنچه می‌دانید شما را مجادله روا باشد، چرا در آنچه علم ندارید جدل و گفتگو به میان آورید؟! و خدا (همه چیز را) می‌داند و شما نمی‌دانید (۶۶) ابراهیم به آیین یهود و نصاری نبود؛ لیکن به دین حنیف توحید و اسلام بود و هرگز از آنان که به خدا شرک آورند، نبود. (۶۷)»

منظور خداوند از حنفا (ابراهیم) مردی بود که از پرستش بت‌ها امتناع می‌کرد، اما قبل از ایجاد ادیان اصلی زندگی می‌کرد (Kelen, 1999, p. 75). بنابراین شکاف بین محمد و یهودیان بیشتر شد. حتی آن یهودیانی که در ابتدا با شخصیت و افکار وی برخورد جدی داشتند، نسبت به تفسیرهای جدید محمد از کتاب مقدس به نرمی واکنش نشان دادند (Ibid, p. 76).

۲-۴. مواجهه سیاسی با یهودیان بنی قینقاع

در خصوص مواجهه با یهودیان بنی قینقاع می‌نویسد: احتمالاً اقدامات محمد تنها به طور شهودی و بی رحمانه بوده است؛ زیرا بی‌رحمی کوتاه‌ترین فاصله بین دو هدف محدود

۱. اشاره به آیات ۶۵ تا ۶۷ سوره آل عمران.

است. همچنین باید در نظر بگیریم که او تحت فرمان تأثیرات ماوراء طبیعی عمل می‌کرد که منشأ آنها را نمی‌دانیم، اما او احساس می‌کرد که مجبور بود به هر قیمتی از آنها اطاعت کند. محمد پیروان خود را از پذیرفتن یهودیان یا مسیحیان به دوستی خود منع کرد، زیرا گفت: «آن‌ها در آرزوی تباهی شما از هیچ زحمتی برای ایجاد فساد بین شما دریغ نمی‌کنند. بنگرید که شما آنها را دوست دارید، اما آنها شما را دوست ندارند!» (Kelen, 1999, p. 77) محمد پس از جنگ بدر در مورد یهودیان که دشمن وی بودند، تصمیم گرفت که خلع سلاح شوند. در این هنگام ابوسفیان که کاروان ثروتمند خود را به سلامت به خانه آورده بود. اکنون به عنوان رئیس قبیله قدرتمند تثبیت شده بود و دیگران برای مشورت به او مراجعه کردند. او تنها در تصمیم خود برای انتقام مصمم‌تر شده بود. ابوسفیان، مکی‌ها را از عزاداری بر مردگان خود منع کرد و نذر کرد تا زمانی که مدینه را تصرف نکرده، خود را روغن نزند و به همسرانش نزدیک نشود. وی از خانه تاجر یهودی نزدیک خود به عنوان پایگاه عملیات در مدینه استفاده کرد که از او اطلاعات می‌گرفت. این مسئله محمد را مجاب کرد که یهودیان را به خیانت متهم کند (ibid, p. 141).

در این زمان درگیری‌ها بین جوانان مسلمان و یهودی در جریان بود. قبیله بنی قینقاع یکی از قبایل طرف درگیر بود. یهودیان در زمان ورود به جنگ لازم دیدند که با عجله به سمت سنگر خود عقب نشینی کنند، در حالی که محمد و پیروانش بدون محاصره ماندند. یهودیان واکنش شدید مسلمانان شگفت زده شدند و کاملاً برای آن آماده نبودند، بنابراین پس از پانزده روز تسلیم شدند. محمد مجازات سختی را برای قینقاع در نظر گرفت، حتی تمام قبیله را به مرگ محکوم کرد. اما پیشوای منافقین، عبدالله بن ابی از جانب آنها وارد عمل شد، بدون اینکه خطری برای خود ایجاد کند؛ جان بنی قینقاع نجات یافت. به آنها سه روز فرصت داده شد تا بدهی خود را دریافت کنند و سپس از شبه جزیره تبعید شدند. آن‌ها به سمت شمال و به سمت سوریه حرکت کرده‌اند. از میان سه قبیله اصلی یهودی در مدینه دو قبیله دیگر وجود داشت، بنی نضیر و بنی قریظه که بنی قینقاع بازرگان و ثروتمندترین آنها بودند (ibid, p. ۱۴۱).

92). ما شواهد تاریخی نداریم تا قضاوت کنیم که آیا او این کار را با خونسردی انجام داد یا با غضب. با این حال صدایی که او را راهنمایی کرد، این موضوع را روشن کرد که این کار را باید انجام دهد (ibid, p.141).

۳. بررسی انتقادی محتوای کتاب

نقد محتوایی کتاب «محمد؛ پیام آور خدا» در زمینه پدیده وحی، مواجهه دینی اهل کتاب با دعوت اسلام و برخورد با یهودیان بنی قینقاع قابل بررسی است که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

۳-۱. مواجهه بتی کلن با پدیده وحی

به نظر می‌رسد که طرح اشکال به مسئله وحی حداقل در زمانه ما و حداکثر در چند سده اخیر نمی‌تواند جنبه کلامی و اعتقادی داشته باشد؛ چرا که پیشتر شیوه مطالعه تاریخی و زبان شناسانه (فیلولوژیک) ابتدا در نقد کتب مقدس یهود و مسیحیت صورت گرفته و سپس به سایر ادیان تسری یافته است. بنابراین با طرح مسئله وحی دو موضوع مدنظر مستشرقان قرار گرفته است:

الف) وحی را با تجربه شخصی پیامبر هم معنا و معادل در نظر گرفته‌اند (برگ نیسی، ۱۳۷۴: ۹۹) که در این صورت تفسیر عرفانه و یا پاتولوژیک از حالات پیامبر میسر می‌شود؛ چنانکه بتی کلن نیز چنین برداشتی داشت.

ب) از جنبه زبان شناختی وجود واژه‌های دخیل در قرآن سندی بر تأثیر پذیری آموزه‌های دین اسلام از ادیان پیشین خود دارد که مجدداً می‌تواند نافی قدسیت آن باشد. در قرآن به ویژه در سوره‌های مکی مقدار قابل توجهی از مواد و اطلاعات عبری-یهودی، روایات کتاب مقدس و به طور خلاصه مواد عهدین و برون عهدینی دیده می‌شود و برای دانشمندان خاورشناس این سؤال پیش می‌آید که این همه از کجا آمده است و پاسخ‌های مؤمنانه به دلیل مطالعه ادیان به شیوه تاریخی متقاعد کننده نیست. (برگ نیسی، ۱۳۷۴: ۹۸) تحقیقات بسیاری

از سوی یهودیان و مسیحیان صورت گرفته که هر کدام واژه‌های موجود در سوره‌های مکی قرآن را متأثر از مسیحیت یا یهودیت دانسته‌اند؛ پیدایش اسلام در محیط مسیحی آن به قلم ریچارد بل (Richard Bell) از جنبه مسیحی و دیگری شالوده یهودی اسلام به قلم چارلز کاتلر توری (Charles Cutler Torrey) از جنبه یهودی آن را می‌توان شاهد مثال معرفی کرد.

از یک سو به لحاظ زبان شناختی توجه به مفهوم امّی در آیات قرآن (۱۵۷:۷/۲۹:۴۸)، و شواهد تاریخی در ماجرای صلح نامه حدیبیه برای عدم سابقه نگارش پیامبر (ابن هشام، ۱۳۸۳: ۴۱۰؛ یعقوبی، ۱۳۸۲: ج ۱/۴۱۴) و تصریح برخی از مستشرقان سیره پژوه (دیون پورت، ۱۳۳۴: ۱۷) و نظر علمای اسلامی قدیم و جدید (طوسی، بی تا، ج ۴: ۵۵۹؛ مطهری، ۱۳۸۱: ۴۰)، چنین بر می‌آید که صفت امّی برای حضرت رسول ناظر بر آن است که ایشان هیچگونه سواد خواندن و نوشتن نداشته است که بتواند فرضیه تعلیم یافتگی ایشان از علمای ادیان پیشین را تقویت کند. و از سوی دیگر پاره‌ای از خاورشناسان معتقدند که یهود خود را بنی اسرائیل و غیر عبرانیان را گوی و جمع آن را «گوییم»^۱ می‌خواندند تا با عبرانیان تفاوت داشته باشند. از این رو کلمه «امیین» را عربی شده همین «گوی و گوییم» می‌دانند. بدین کیفیت یهود همسایگان عرب خود را «امّی» می‌خواند و منظورشان از این لغت بی سوادى آن‌ها نبود، بلکه مراد بیشتر مفهوم بیگانه بوده است؛ زیرا آنان در نظر خودشان قوم برگزیده‌ای بودند که وحی و نبوت انبیاء خاص آن قوم است. چنانکه نولدکه (Theodor Nöldeke) نویسنده کتاب تاریخ قرآن نیز به این نتیجه می‌رسد که امّی دلالت بر جهل خواندن و نوشتن ندارد، بلکه فقط نشان می‌دهد که پیامبر کتب عهد عتیق را نمی‌شناخت (رامیار، ۱۳۹۸: ۵۰۷).

همچنین در ردّ تفسیر پاتولوژیک از حالات پیامبر می‌توان اذعان داشت که این موضوع با تاریخ زیسته پیامبر چه پیش از بعثت و چه پس از آن سازگار نیست زیرا: الف) اگر محمد بن عبدالله پیش از بعثت دچار بیماری جسمی و یا روانی بوده در این صورت چه دلیل منطقی وجود داشت که زنی چون حضرت خدیجه (س) نه تنها اموال خود را برای تجارت

1. Goy – Goyim

به او بسپارد؛ بلکه بعدها با او ازدواج کند و مصائب گوناگون را تحمل کند؟ (ابن اسحاق، ۱۴۱۰ ق: ۸۱؛ آرمسترانگ، ۱۳۸۶: ۱۱۶؛ برای اطلاع بیشتر نک: فروهی و دیگران، ۱۳۹۶: ۵۶-۳۱) (ب) مطابق مستندات تاریخی اگر پیامبر اسلام دچار روان پریشی بود، به عنوان حکم برای نصب حجر الأسود برگزیده نمی شد و مشرکان به رأی او خوشنود نبودند؟ (ابن سعد، ۱۴۱۰ ق: ج ۱/۱۱۶؛ یعقوبی، ۱۳۸۲: ج ۱/۳۷۴؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۹۹۷ م: ج ۳/۴۸۷). همچنین این نکته قابل توجه است که اگر حالاتی در موقع وحی به ایشان دست می داد، مستمر و طولانی مدت نبوده است؛ بلکه فقط در حد حالات روحی و کوتاه بود. همچنین رفتار وی در زمینه های مختلف به ویژه تصمیم های مهم مبتنی بر خرد و عقلانه بوده است و منبعی نیز از رفتارهای غیر معقول از آن حضرت گزارشی نداده است و نزول وحی نیز زندگی و شخصیت ایشان را مختل نکرده است.

۲-۳. در خصوص مواجهه دینی اهل کتاب با دعوت اسلام

پیامبر نه تنها خود را در پیوندی عمیق با انبیای گذشته خصوصاً حضرت ابراهیم (ع) معرفی می کرد، بلکه اسلام را کمال دین حنیف و تصدیق کننده دیانت موسی و عیسی نیز می دانست (انعام/۱۶۱؛ آل عمران/۸۱). در چنین شرایطی علمای بزرگ اهل کتاب به عنوان یک سیاست منفی سعی داشتند تا اصل اتصال تاریخی و اعتقادی اسلام را با دیانت خویش انکار کنند. از این رو طریق مقاومت هایی را در میان اهل کتاب در گرایش به اسلام پدید آوردند (زرگری نژاد، ۱۳۹۵: ۳۸۴). یکی از این موارد ارتباط یا عدم ارتباط رسول الله (ع) با حضرت ابراهیم (ع) بود که با عنایت به آیات ۱۳۸ تا ۱۵۰ سوره بقره و همچنین آیات فوق می توان آن را دریافت.

به لحاظ جغرافیای دینی نفوذ مسیحیت به سرزمین عربستان تنها محدود به سه ناحیه مرزی بود: شمال شرق با محوریت دولت لخم، شمال غرب با محوریت دولت غسانی و جنوب غرب عربستان با محوریت یمن و نجران با قبیله کنده بوده است. اما از حضور پررنگ دین

مسیحیت در مناطق مرکزی و یا حجاز، زادگاه حضرت رسول (ص)، بسیار کمتر از موارد فوق است. این حضور ضرورتاً حضور بومی نبوده است؛ اما با در نظر گرفتن همه اینها مسیحیت با تمام تأثیری که بر مناطق مرزی عربستان داشت، در صحنه تحولات مناطق مرکزی بازیگر اصلی نشده بود (گدارد، ۱۳۹۸: ۵۵). طبق این استدلال گزارش‌هایی که برخوردهای پیش از بعثت پیامبر با مسیحیت صورت گرفته را توضیح می‌دهند، نمی‌تواند دلالت بر تعلیم یافتگی پیامبر نزد مسیحیان را گواهی دهد. در خصوص طعن یهودیان مبنی بر آموختگی حضرت رسول (ص) نزد یک بزرگان یهودی باید در نظر داشت که مؤلف کتاب در هیچ‌کدام از ادعاهای خود به هیچ کتاب معتبر تاریخی استناد نکرده و از این جهت امکان بررسی منابع خود را از ما سلب کرده است. اما با این حال اگر حضرت محمد کمترین پیوند فکری با یهودیان داشت و از آنان چیزی می‌آموخت، ایشان با توجه به کینه شدیدی که نسبت به وی داشتند این موضوع را در همان زمان که قریش به دنبال یافتن معلم و آموزگاری برای محمد بودند آشکار ساخته و نمی‌گذاشتند تا برخی مستشرقین یهودی، پس از هزار و چهارصد سال زحمت طرح ادعایی بی سند و مدرک را بکشند (زرگری نژاد، ۱۳۹۵: ۲۲۲). موریس بوکای نویسنده کتاب عهدین قرآن و علم در غیرقابل دفاع بودن فرضیه تعلیم پیامبر از احبار یهود می‌نویسد:

«در باب آفرینش، عدم تشابه میان معلومات عهد عتیق و آیات قرآن جالب توجه است و خصوصاً پاسخگوی این اتهام بی اساس به پیامبر اسلام است که از آغاز اسلام تا کنون تکرار می‌شود. بدین بیان که وی به نسخه برداری و رو نویسی روایات عهد عتیق پرداخته است. فرضیه رونویسی از عهد عتیق غیرقابل دفاع است، زیرا گزارشی که قرآن از آفرینش عرضه می‌کند، با گزارش عهد عتیق تفاوت کلی دارد» (بوکای، ۱۳۵۷: ۲۰۲-۲۰۱).

۳-۳. برخورد یهودیان بنی قینقاع

شیوه روایت‌گری بتی کلن خالی از غرض ورزی نبوده و استفاده نا بجا از برخی تعبیرات غیر علمی برای ارزیابی و توصیف یک رویداد تاریخی به راستی گواهی می‌کند که وی پژوهشگر

عرصه تاریخ نیست. استفاده از کلمات ارزش گزارانه و غیر مستند تاریخی به رسول خدا (ص) مانند قصابی‌های وحشیانه (!)، مسئول دانستن ایشان در چشم تاریخ و غیره همگی دلالت بر مطالعات غیر حرفه‌ای نویسنده دارد. آنچه در ماجرای یهودیان بنی قینقاع صحت دارد، این است که بنا به گزارش منابع موثق تاریخی و حتی اقوال اسلام شناسان غربی، یهودیان بیش از پیش متوجه قبيله خود پیامبر بودند که نقش اصلی در معدوم ساختن دین جدید و بازگرداندن واحه یثرب به وضعیت پیشین را ایفا می‌کرد. از این رو بود که به طور مرتب اقدامات و تحرکات پیامبر را به مکه گزارش می‌دادند (لینگز، ۱۳۹۸: ۲۹۳) که این خود مصداق نقض پیمان و خیانت است. از این رو پس از آنکه پیامبر (ص) از نقض پیمان یهودیان آگاه شد و دریافت که بنی قینقاع به احتمال قوی با همکاری بدویان و قریش در صدد اقدام نظامی بر ضد مسلمانان هستند نزد آنان شتافت (مسعودی، بی تا: ۲۰۶؛ زرگری نژاد، ۱۳۹۵: ۴۳۱).

با پیش آمدن ماجرای توهین جوان یهودی به زنی مسلمان در بازار مدینه و کشته شدن یک مسلمان و یک یهودی در این بین و نزول آیات ۵۷ و ۵۸ سوره انفال^۱ خیانت یهودیان را نزد رسول الله (ص) به یقین مبدل کرد (طبری، ۱۳۶۲: ج ۳/۹۹۷؛ واقعی، ۱۳۶۱: ج ۱/۱۰۲/۱). یهودیان به درون قلعه‌های محکم و پر آذوقه خود عقب نشستند. آن‌ها قادر بودند سپاهی مرکب از هفتصد مرد جنگی، که به اندازه دو برابر سپاه مسلمانان در بدر بود، فراهم کنند و انتظار همین مقدار را از عبدالله بن ابی و عباده داشتند. اما پس از صحبت‌های ابن ابی با عباده و استنکاف وی در قبال بنی قینقاع حمایت ایشان از یهودیان به شکست مبدل گشت. (لینگز، ۱۳۹۸: ۲۹۶) حضرت رسول در دیدار با بنی قینقاع ابتدا رسالت خود را به ایشان یادآوری کرده و آنان را از ابتلا به سرنوشت مکیان تحذیر کرد. (بلاذری، ۱۴۱۷ ق: ۳۰۸-۹) اما یهودیان که چشم امید به حمایت هم پیمانان خود داشتند در پاسخ به حضرت رسول چنین گفته بودند:

«ای محمد پیروزی تو بر مکیان تو را مغرور نکند، تو با گروهی نادان جنگیدی، در صورتی

۱. (وَأَمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَأَنْبِئْهُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ)

که ما مرد جنگ و مبارزه‌ایم. اگر با ما جنگ کنی خواهی دانست که با کسی چون ما جنگ نکرده‌ای» (واقعی، ۱۳۶۱: ج ۱۲۷/۱). در نهایت پس از پانزده روز محاصره قلعه یهودیان، ایشان تسلیم شدند و به دیار شام تبعید گشتند.

با توضیح آنچه از نظر گذشت آنچه در اینجا پرسش برانگیز می‌نماید این است که آیا جز این است که سزای خیانت از ازمنه گذشته تا کنون مرگ بوده است و یهودیان بنی قینقاع مرتکب خیانت در پیمان خود با پیامبر (ص) شدند؟ در کدام فرهنگ بشری مجازات تبعید موصوف به صفت قصابی وحشیانه است؟ همچنین شایان توجه است که تا زمانی که یهودیان به متعهد به پیمان خود بودند، صلح در میان دو طرف برقرار بود و می‌توانست ادامه یابد؛ با نزول آیه ۵۷ سوره انفال آیات وحی دستور داده بود که اگر در جنگ بر آن‌ها غالب شدی آنان را عبرتی ساز تا کسانی که پشت سر آن‌ها هستند وحشتی بیفکنی، باشد که متنبه شوند.

۴. نقاط ضعف و قوت بتی کلن

الف) نقاط قوت:

۱. کلن سعی کرده است با زبان روان و گویا زندگی رسول الله (ص) را بیان کند و مخاطب از این جهت با وی ارتباط سریع‌تر و راحت‌تر برقرار می‌کند.

۲. بتی کلن مخاطب خود را افراد عامه قرار داده است و از این جهت سعی کرده در قالب ساده برای مخاطب عام که اطلاعات تخصصی در زمینه مطالعات اسلامی ندارد، اثر خود را به نگارش در آورد که زمینه آشنایی وی را با یکی از چهره‌های تأثیرگذار تاریخ ادیان فراهم کند.

۳. نحوه نگارش وقایع در کتاب «محمد؛ پیام آور خدا» به صورت گاهشماری منظم براساس نگارش زندگی‌نامه آن حضرت بوده است که ضمن ارائه مباحث تاریخی مشهور، از بیان مباحث کلامی پیچیده خودداری کرده است.

۴. کلن به بررسی جنبه‌های مختلف سیره و سنت پیامبر (ص) از جمله رهبری، اخلاق و

تعاملات اجتماعی او می‌پردازد که این امر به غنای محتوای کتاب افزوده و آن را به اثری خواندنی برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ اسلام تبدیل کرده است.

ب) نقاط ضعف:

۱. عدم توجه کافی به دیدگاه‌های انتقادی و نظرات مخالف از نقاط ضعف کتاب است. کلن در برخی موارد به نظر می‌رسد که به تفسیرهای خاصی از متون اسلامی بسنده کرده و از تنوع نظرات موجود در میان مفسران اسلامی (به ویژه شیعه) غافل مانده است. این موضوع می‌تواند به محدودیت در درک جامع‌تر از شخصیت پیامبر (ص) و تأثیرات او بر جوامع مختلف منجر شود.

۲. عدم مراجعه به منابع اصیل اسلامی به تعداد مکفی در ارائه تبیین تاریخی و همچنین مشخص نبودن ارجاعات بزرگ‌ترین خلاء روش‌شناسی است که به اثر نویسنده وارد است.

۳. عدم جامعیت اثر موجب شده که به برخی حوادث مهم تاریخی در زمان رسول الله (ص) که تأثیر فراوان بر جامعه و فرهنگ اسلامی داشته، پرداخته نشده است.

۴. با توجه به تخصص نویسنده در زمینه الهیات دینی، مسائل مهم مرتبط با دوران پیامبر (ص) را بدون در نظر گرفتن چهارچوب‌های دین اسلام و بافت اجتماعی-جغرافیایی شبه جزیره تبیین کرده است که در برخی مواقع برداشت‌های ناقص و قابل نقد در این زمینه صورت گرفته است.

۵. ساده‌سازی حوادث مهم رسول الله (ص) و نگاه خطی به زندگانی آن حضرت هرچند به فهم مخاطب کمک می‌کند؛ ولیکن با توجه به پیچیدگی و چند لایه بودن حوادث و تأثیرات درونی و بیرونی آن، تحلیل‌های جدی‌نیازی داشته است که نویسنده از آنها غفلت کرده است.

۶. نگاه اومانیستی به رسول الله (ص) و عدم توجه به قدسی بودن و جایگاه پیامبری آن حضرت که در بسیاری از آثار مستشرقان وجود دارد، در این اثر نیز نسبت به اقدامات آن حضرت وجود دارد که قابلیت نقد دارد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی و نقد آراء بتی کلن درباره رسول الله (ص) با تمرکز بر پدیده وحی و مواجهه ایشان با اهل کتاب پرداخته شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بتی کلن در تحلیل‌های خود به چندین نکته کلیدی و اساسی توجه نکرده و در نتیجه، نظرات وی از اعتبار علمی و تاریخی کافی برخوردار نیست.

تحلیل پدیده وحی: بتی کلن به جای پذیرش وحی به عنوان یک پدیده الهی، آن را به تجارب عرفانی و اضطراب‌های روانی پیامبر تقلیل می‌دهد. این رویکرد نه تنها نادیده‌گیری جنبه‌های معنوی و الهی وحی است، بلکه با شواهد تاریخی و متون اسلامی نیز در تضاد است. با ارائه استدلال‌های منطقی و مستندات تاریخی می‌توان نشان داد که ادعای وی فاقد پایه‌های علمی و منطقی است.

مواجهه با اهل کتاب: کلن در تحلیل خود از روابط پیامبر اسلام با یهودیان به دو نوع تأثیرپذیری و مواجهه نظامی اشاره می‌کند. او به اشتباه بر این باور است که پیامبر تحت تأثیر تعالیم یهودی قرار گرفته و سپس به تغییر مذهب پرداخته است. این ادعا با توجه به مستندات تاریخی و نظرات محققان معتبر مردود است. همچنین نسبت دادن مسئولیت به پیامبر (ص) در جنگ‌ها و خون‌ریزی‌ها بدون در نظر گرفتن زمینه‌های تاریخی و اجتماعی، نشان‌دهنده عدم دقت و غرض‌ورزی در تحلیل‌های وی است.

روش‌شناسی و منابع: بررسی شیوه نگارش بتی کلن نشان می‌دهد که او به جای استفاده از منابع معتبر و متقدم به گردآوری مطالب پیشینیان بسنده کرده و از این رو، اثر وی فاقد عمق و دقت علمی لازم است. همچنین عدم آشنایی نویسنده با آیات الأحکام و تفسیر تاریخی قرآن به وضوح در تحلیل‌های او مشهود است و این امر به اعتبار کار وی آسیب می‌زند.

در نهایت می‌توان گفت که بتی کلن به عنوان یک مستشرق نتوانسته است به درک عمیق و دقیقی از سیره پیامبر اسلام و پدیده وحی دست یابد. نقد و بررسی آراء وی نه تنها ضرورت

شناخت دقیق‌تر از شخصیت رسول اللہ (ص) را نمایان می‌سازد، بلکه نشان‌دهنده نیاز به رویکردهای علمی و بی‌طرفانه در مطالعات اسلامی است. در مجموع پژوهش حاضر بر اهمیت توجه به منابع معتبر و رویکردهای علمی در بررسی تاریخ اسلام و شخصیت پیامبر تأکید می‌کند. این مقاله می‌تواند به عنوان یک گام در جهت تبیین و نقد آراء مستشرقان و ارتقاء فهم صحیح از تاریخ و سیره پیامبر اسلام مورد استفاده قرار گیرد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آرمسترانگ، کارن، محمد (ص)، زندگینامه پیامبر اسلام، ترجمه کیانوش حشمتی، تهران: حکمت، ۱۳۸۶، چ ۲.
۳. ابن اسحاق، محمد، سیره ابن اسحاق (کتاب السیر و المغازی)، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۴. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ ق.
۵. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر، البدایة و النهایة، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ ق.
۶. ابن هشام، عبدالملک، السیره النبویه، تحقیق مصطفی السقا و ابراهیم الأبیاری و عبدالحفیظ شلبی، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.
۷. برگ نیسی، کاظم، «واژه‌های دخیل قرآن و دیدگاه‌ها»، مجله معارف، ش ۱ و ۲، ۱۳۷۴، صص ۹۳-۱۱۹.
۸. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
۹. بوکای، موریس، عهدین، قرآن و علم، ترجمه حسن حبیبی، تهران، انتشارات سلمان، ۱۳۵۷.
۱۰. دیون پورت، جان، عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، تهران، انتشارات حاج محمد حسین اقبال و شرکا، ۱۳۳۴.
۱۱. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۸، چ ۱۶.
۱۲. زرگری نژاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران، سمت، ۱۳۹۵.
۱۳. صمیمی، مینو، محمد (ص) در اروپا، ترجمه عباس مهر پویا، تهران، اطلاعات، ۱۳۸۲.
۱۴. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، ج ۳، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۶۲.

۱۵. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۶. فروهی، آرمان، رازنهان، محمد حسن، عطاری، علیرضا، «بررسی و نقد آراء مستشرقان درباره زندگانی حضرت خدیجه (س)»، دوفصلنامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (س) قم، س ۱۴، ش ۴۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، صص ۵۷-۳۱.
۱۷. قنبری صفری، فاطمه، مستشرقان و وحی؛ نقد دیدگاه مستشرقان نسبت به وحی الهی قرآنی، تهران، نشر بیکران دانش، ۱۳۹۵.
۱۸. گدارد، هیو، تاریخ روابط اسلام و مسیحیت، ترجمه منصور معتمدی و زهرا مؤدب، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۸.
۱۹. لینگز، مارتین، محمد بر پایه کهن ترین منابع، ترجمه سعید تهرانی نسب، تهران، حکمت، ۱۳۹۸.
۲۰. مسعودی، علی بن حسین، التنبیه و الاشراف، قاهره، دار الصاوی، بی تا، (چاپ افست قم، مؤسسه نشر المنابع الثقافة الاسلامیه).
۲۱. مطهری، مرتضی، پیامبر اقی، تهران، صدرا، ۱۳۸۷، چ ۲۰.
۲۲. مؤمنی، علی اکبر، «تحلیل و بررسی آرای مستشرقان پیرامون وحی»، فصلنامه حسنا، ش ۵-۶، ۱۳۸۹، صص ۴۷-۲۸.
۲۳. واقدی، محمد بن عمر، المغازی یا تاریخ جنگ های پیامبر، ج ۱، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۱.
۲۴. یعقوبی، ابن واضح، تاریخ یعقوبی، ج ۱، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.

